

عبدالمجید رشید پور

نقش ادیان در نظر انسانها

- * نیاز انسانها بدین
- * ضرورت دین در زندگی انسانها
- * دین نمی تواند ساخته انسانها باشد
- * فطری بودن قوانین الهی
- * تاثیرات دین از نظر فردی
- * دین و مجتمع انسانها
- * دین و اختلافات طبقاتی
- * دین و آرامش روان
- * دین و عواطف انسانها
- * امتیازات دین از مکتب سیاسی
- * نیازمندی غرب بدین اسلام
- * شخصیت اصیل اسلام جامع علوم انسانی
- * وظیفه دشوار پاسداران دین

* * *

نیاز انسانها بدین

کره زمینی که انسانها، بر روی آن قرار دارند، متحرک است، دائماً می گردد و می چرخد، انسانهایی که در آن آشیان گرفته اند، آنها هم در حرکتند، بدنیا می آیند، و دوران کودکی را گذرانیده، بفصل

نشاط و خرمی می‌رسند ، باز هم از آن گذشته ، بخزان عمر نزدیک شده ، چراغ عمرشان خاموش می‌گردد. کهکشان‌ها مانند منظومه شمسی ما ، در گردش و جنب و جوشند ، از آغاز خلقت بازیگر صحنه زندگی ، انسان‌ها بوده اند تمام این حرکت‌ها و گردش‌ها برای او و بخاطر تحول و تکامل او وجود آمده است ، و از این میان او بود که بار تکلیف را بدوش گرفته ، قرار شد از راه پرخطر دنیا عبور کند ، فابین ان یحملنها... فحملها الانسان بر اثر این جرأت و ابتکار قرار شد که همه چیز طبیعت در برابر او به‌خود درآمده در استخدام او باشند . و او تنها بود که از همه مزایای دنیا ، بهره‌برداری می‌کرد .

ولی او از آغاز سفر بدنی ، تا امروز از موضوعی رنج می‌برد ، و همیشه هاله‌ای از غم و اندوه ، از این رهگذر گرداگرد چهره او نمودار میشد ، آری او رنج می‌برد که چرا سر آفرینش بر او روشن نیست ؟ چرا آمده و چرا باید روزی از این آشیان پرواز کند ، چرا آنهمه نشاط و قدرت و جوانی از دست می‌رود ؟ سر منزل مقصود کجاست ؟ این آوردن و بزدن برای چیست ؟ در زوایای دل او حس کنج‌کاو او را رنج میداد ، دلش میخواست هر چه زودتر برده از روی این معمای بزرگ برداشته ، با آغاز و انجام آفرینش دست یابد ، این عطش ذاتی و این نیاز فطری ، همیشه انسان‌ها را بخود مشغول می‌کرده است ، و عصر غار نشینی و تسخیر کرات ، نمی‌توانست سرپوشی روی این خواسته طبیعی بگذارد ، منتهی گروهی بدین درد واقف شده ، دنبال درمان می‌روند ، و جمعی همیشه از درد نالیده ، و بدرد و رنج خود پی نمی‌برند ، و عمری در گمراهی و ضلالت بسر می‌برند ، درمان واقعی این سوز و گداز هاشناسانی خداست

و بدون تردید قوانین الهی این کار را بهتر و کاملتر انجام میدهد ،
 و نازل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین .



ضرورت دین در زندگی انسانها

انسان در هر وضع و حالی که باشد ، بحکم فطرت مجبور است برای این پرسشها جواب هائی تهیه نماید ، و کاملترین راهی که این عقده‌ها را برطرف میسازد ؛ پناهندگی انسان‌ها بادیان است ، در چنین صورتی مشکلات حل شده ، آدمی در می‌یابد که برای چه بدنیا آمده ، و بکجا خواهد رفت ، از این گذشته انسان در اثر تأثیرات فطری ، و تحت غرائز و امیال طبیعی ، با اختیار یا بر اساس مصلحت اندیشی ، یاد ر اثر جبر محیط ، مجبور است بزندگی اجتماعی درآید ، و بطور مسلم در زندگی دسته‌جمعی ، تضادهائی بوجود می‌آید ، و انسان برای اجتناب از این برخوردها ، و یا احقاق حقوق خود مجبور است ، از مقررات دینی پیروی و متابعت نماید ؛ و بعبارت دیگر انسان‌ها در زندگی نیازمند بیکدیگر میباشند ، باید باهمدیگر زندگی کنند برای اینکه از گزند و آسیب هر کنار باشند ، مجبورند از دستورات دینی که بمنظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی تهیه شده است ، اطاعت نمایند . و از همین جا ضرورت دین در زندگی انسان‌ها مدال میگردد .



دین نمی‌تواند ساخته انسان‌ها باشد

مقررات زندگی که بنام دین نامیده میشود ؛ همه پدیددهای الهی هستند و انسان‌ها نمی‌توانند چنین قواعد و دستوراتی را بوجود آورند ،

قانون گزار باید بر هوای نفسانیات بشر ، و خواسته‌ها و ارزش‌های آن احاطه داشته باشد ، تا اصول و قوانین او کامل باشد ، قانون گزار واقعی کسی است ، که بر هدف نهائی انسان ها اطلاع داشته ، و الا تأثیرات محیط و طبقه و هواهای نفسانی بر کنار باشد ، از این مقدمات بخوبی آشکار میگردد که انسان ها خود نمی توانند ، قوانین زندگی که متضمن همه جهات فردی و اجتماعی باشد ، تدوین نمایند ، چه بشر هر قدر صلاح اندیش باشد ، باز نمیتواند الا تأثیر عوامل نفسانی ، و محیط دور باشد ، و بطور مسلم عادات و خصوصیات زمان و مکان را در نظر گرفته و مشکلات را از ژاویه‌های خاصی مورد بررسی قرار خواهد داد ، و از این گذشته اصولا اگر افراد انسانی بتوانند قانون کاملی را تنظیم نمایند ، ماده ضامن اجرائی آن چه چیز خواهد بود ، و مردم بر اساس چه عواملی از آنها اطاعت خواهند نمود ؟



فطری بودن قوانین الهی

شاید برخی از ساده لوحان چنین تصور کنند که قوانین اسلام دوراننش پایان یافته است ، و در عصر موشک و تسخیر فضا ، دیگر نمی توان از آنها بر خوردار شد ، گروه دیگری چنین می پندارند ، که اصولا پروردگار از همه عبادت‌های انسان‌ها ، بی نیاز است ، بنا بر این احتیاجی با انجام دادن تکالیف دینی انسان‌ها ندارد ، در پاسخ این دو ایراد باید گفت که : نیازمندی انسان‌ها بدین ، مربوط به تجهیزات فطری انسان است ، یعنی اصولا نیازمندی افراد انسانی ، بدین از نظر جنبه‌های طبیعی است ، یعنی مردوزن نیازمند دستورات زندگی است ؛ و اسلام دینی است که از سر چشمه

فطرت انسان جوشیدن گرفته و تمام دستورات اسلام، بر مبنای نیازمندی انسان‌ها، پی‌ریزی گشته است. بنا بر این مقدمه اصولاً همه مقررات دین - های واقعی، خواه اسلام و یا غیر آن از روحيات انسان‌ها الهام می‌گیرد، خداوند در قرآن مجید میفرماید: **فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها** یعنی دین بر اساس جنبه‌های فطری استوار شده است و چنین تازه و ژانددی در بر ندارد، و عبارت روشن‌تری: **دين تقصیلی است** از نیازمندیهای فطری انسان.



تأثیرات دین از نظر فردی

فطرت انسان از ژنتی و ناپاکی برکنار است، دروغ و پلیدی در زوایای سرشت انسان وجود ندارد، چه انسان پدیده‌ای است الهی، روی همین اصل از هر عمل ناپاکی بدور است، خداوند در باره مکتسبات خیر و شر او چنین میفرماید: **انما ما کسبت و عابها ما اکتسبت** میان خوبی- ها و بدیها از نظر بدست آوردن امتیازی قائل شده، در باره صفات پسندیده کلمه کسب را آورده است، و در قسمت خوبی‌های ناروا کلمه اکتساب را آورده است، و دانشمندان ادب خود میدانند که در اکتساب سختی و دشواری وجود دارد، بنا بر این خوبی‌ها احتیاجی به آموزش ندارد، و آنچه که نیازمند تعلیم و آموختن است، رذائل اخلاقی است، و چون بر نامه دینی نسخه‌ای از فطرت انسانی است، لذا هر کس مطابق دستورات دینی رفتار نماید، خود بخود صفات عالی انسانی در او رشد و نمو نموده، و از روحيات ناروا مانند دروغ و نادرستی و خیانت و فتنه و ستمگری برکنار خواهد ماند، و روح او جلوه گاه صفاتی از قبیل مهر و وفا و راستی و

نظم و درستکاری خواهد بود، و از همه اینها گذشته، مرد با ایمان بجای ناامیدی، روح امید و پشتکار داشته، در شدائد و مشکلات زندگی، خود را بناخته، بدون اینکه آرامش روحی خود را از دست بدهد، با حزم و شجاعت بسا دشواریهای حیات مبارزه می کند.

رسول اکرم ﷺ درباره مرد مؤمن چنین میفرماید: مرد با ایمان هنگام شب همچون تارک دنیائی بر ازو نیاز با خدا مشغول شده، جز ناله و آه و اشک متاعی ندارد، ولی صبحگاهان هنگامی که اشعه زرین آفتاب خود نمائی می کند، از خانه بیرون آمده، همانند شیر زبانی در میدان مبارزه زندگی، کمین گرفته از حقوق خود دفاع می کند، باللیل رهبان و بانتهار است.

اسلام از آغاز پیدایش؛ دین تحول و تحرك بود، هر که مسلمان میشد فکر و روح و طرز زندگی و گرایش دگرگون میشد، صلابت و اتقان از چهره اش نمایان میشد، مسلمان بهر کجا قدم می گذاشت، تحولی در آنجا ایجاد میکرد، شوق و ابتکار از مرد مؤمن ریزش میکرد همانند چشمه زندگی و نشاط، در جوش و خروش بود، رکود و توقف در او راه نداشت، هرگز بفکر خود و منافعیش قدم بر نمی داشت، همیشه بفکر اجتماع مسلمانان بود، خود را فدای اجتماع میکرد، از فداکاری لذت میبرد، روحش از سنگ خارا شکست ناپذیرتر؛ بود: المؤمن نفسه اصلب من الصلده.

مرد مسلمان خدا را بصورت کاملتری می دید، در میدان جنگ و محراب عبادت در ظاهر و باطن همه جا خدا را مشاهده میکرد، چه خدای مسلمانان از انسانها بخودشان نزدیک تر بود، از اعماق و ژوایای دلشان با اطلاع

بود، جهان هستی مظهری از جلال و جمال او بود، مرد مسلمان در عشق او واله و سرگردان بود، نام خدا شیرین‌ترین نغمه و نوائی بود که مسلمان آن را می‌شنید، و از این شنیدن سرپای وجودش را لرزه‌ای از شوق و خشیت فرا میگرفت.

انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا- عمیت عین لائراک



دین و مجتمع انسانها

اسلام برترین اجتماعات را بوجود آورد، اسلام با دستورات ژنده و روح بخش، چنان وحدتی در میان مسلمانان بوجود آورد که نظیر آن را تا آن زمان مردم ندیده بودند، مسلمانان با تمام عوامل اختلافی از شکل و رنگ و فقر و غیره همه در حکم فرد واحدی محسوب میشدند، برادری و برابری آنان را آنچنان بیکدیگر پیوند داده بود، که همه در حکم ژنجیر شکست ناپذیری بودند، بر نامه‌های اسلامی مانند: لایکمل ایمان احد منکم حتی یحب لغيره ما یحب لنفسه و من اصبح ولم یرہتم باہور المسلمین فلیس بمسلم و انما المؤمنون اخوة جان تازه در کالبد مسلمانان دمیده بود، و مسلمانان با دستورات اسلامی، مدینه فاضله‌ای را که افلاطون از نظر فکری و تجلی ترسیم نموده و هرگز بوجود خارجی در نیامده در لابلای سطور کتابها قرار داشت، در خارج نمونه اتم و اکمل آن را بوجود آوردند، اجتماعی نوین پی ریزی شد، که لرزه برار کان کشورهای پیشرفته آن زمان در افتاد، بهشت موعودی که سازندگان مکاتیب سیاسی بمردم نوید میدادند

دویکپهزار و سیصدواندی سال قبل ، در تاریخترین جوامع دنیا بوجود آمد ، و پر واضح است که این همه آواها از نظامات عالی و درخشنده اسلام ، بود که در مدت کوتاهی چنین تحول شگرفی را در عربستان بوجود آورد ، و بدون اغراق باید اعتراف کرد که کشورهای متمدن عصر موشک و تسخیر فضا هنوز اندر خم یک کوچه آن وامانده اند .

هفت شهر عشق را عطار گشت ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم

ماده (۲۰۷) از قوانین ایالت می سی سوسی چنین است :

« فرژندان سیاهان و سفیدان باید از هم دیگر جدا بوده هر کدام از

دوطبقه در مدرسه ای مخصوص بخودشان درس بخوانند »

در کشوری که برای مردم جهان (اعلامیه حقوق جهانی) مینویسند

از نظر قانونی « مسافری سیاه و سفید باید در قطار و اتومبیل از هم جدا باشند .

از این گذشته سیاه حق ندارد از دری که سفید عبور می کند وارد شود



دین و اختلافات طبقاتی

در هر محیط و اجتماعی بنا بر رسوم و سنن جاری ؛ میان افراد

اختلافاتی وجود دارد ، یونانیان افراد خاصی را ممتاز دانسته ، و بقیه افراد

را بار بار نا امیده از امتیازات انسانی محروم میدانستند ، مصریان

بقدری به مسئله نژاد و رنگ پوست اهمیت میدادند ، که مردان سرخ پوست

را به حض دیدن بقتل میرسانیدند ، این امتیازات در کشورهای ایران

باستان و عربها ، پیش از اسلام کاملاً بچشم میخورد ، اعراب سه دسته را

از نظر ارزش های انسانی محکوم میدانستند ، و این سه چیز از عوامل

بدبختی بشمار می‌آید: یکی اجنبی بودن؛ دوم غلام بودن، سوم سیاه بودن سر لوحه بر نامه انقلاب اسلام لغاء تبعیضات نژادی بهر عنوان و شکلی بود، بلال مؤذن رسول خدا دارای نشانه‌های سه گانه بدبختی بود، ولی اسلام که از جانب خدای سیاه و سفید بوجود آمده بود، امتیازی میان افراد قائل نبود برتری را وابسته تقوی و پرهیز کاری میدانست، ان اکرمکم عندالله اتقاکم.

سیاهان پیش از ظهور اسلام هرگز بمخپله شان خطور نمی‌کرد که روزی بیاید که بتوانند دم از مساوات زده و خود را بادیگران یکسان بدانند.

در تفسیر مجمع البیان عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که رسول اکرم (ص) فرمود: ما انما اتتم من رجل وامرأة که جماع الصاع لیس لاحد علی احد فضل الا بالتقوی یعنی شما انسان‌ها از زن و مردی آفریده شده و بر یکدیگر جز بتقوی تقدم و برتری ندارید د کتر گوستاو لوبون فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب چنین می‌نویسد: در اسلام امتیازات شخصی طبقه و خانوادگی بطور کلی ملغی و تمام مسلمین در برابر اسلام برابر و برادرند امر وژه کشوری که دم از آزادی زده و برای سعادت مردم جهان اعلامیه حقوق جهانی را انتشار میدهد آنچنان گرفتار خودپرستی و جاه طلبی است که رولادوشنبه را که دادگاه عالی آمریکا تفکیک مدارس سیاه و سفید را غیر قانونی اعلام کرد آمریکا تنها چنین روزی را روز سیاه نامید ندبه گلدواتر گفته شده بود که شما می‌خواهید مردم جهان را از اسارت نجات دهید پس چرا سیاهان آمریکا را آزادی نمی‌دهید در جواب گفته بود که چون برخلاف قانون اساسی است. وقتی کندهی از سیاهان طرفداری می‌کرد فرماندار

یکی از ایالات آمریکا حقوق مسلم سیاهان را به حقوق نادرست تعبیر کرده به کندی بی احترامی نمود سرانجام کندی هم همان راهی را که لینکلن رفته بود در هسپار شد چه قاتل لینکلن هم از طرفداران جدی تبعیضات نژادی بود کندی هم در شهر دالاس جایگاه جنوبی های افراطی و مخالفین سرسخت تساوی نژادی بقتل رسید و بنا بر اظهار نظر روزنامه دیلی لیلی چاپ لندن می توان چنین استنباط کرد که يك توطئه نژادی در پشت سر قتل کندی قرار داشت .



دین و آرامش روان

روانشناسان طبق آمارهایی که بدست آورده اند مدعی هستند که صدی نود و نه مردمی که به بیماری های زخم معده و فشارخون گرفتارند کسانی هستند که تعادل روحی خود را از دست داده گرفتار کینه تولی و دشمنی میباشند. این عده در اثر عقده هایی که در دلشان متمرکز شده بچنین بیماری هایی دچار میشوند .

از این گذشته زندگی که در آن آینده درخشان وجود نداشته باشد جز ابهام و بدبختی برای انسان چیز دیگری بوجود نخواهد آورد. تمام تلاشهای انسان بر محور آینده و امیدوارژودور میزند و بطور مسلم کسانی که در زندگی شان دورنمای امیدی وجود نداشته باشد گرفتار اختلافات و بیماری های روحی خواهند بود بر همین اساس تعداد خودکشی ها و دیوانه ها در سراسر جهان در حال گسترش است و حال آنکه مرد دیندار در تمام جزر و مدهای زندگی بآینده امیدوار بوده خود را برای فردای درخشان آماده میسازد از همه اینها گذشته اصولا اجتناب الکنهان و

تپه ملکه‌های ارژنده روحی بتدریج در انسان قدرت و اراده فوق‌العاده بوجود می‌آورد که با هیچ نیروی جسمانی برابری نتوان کرد و با زمره دیندار و مؤمن واقعی در اثر روح تقوی و فضیلت از نادانان و اجنبی‌های وجدان که در اثر خلاف کاری بوجود آمده شب و روز جسم و روح آدمی را سوهان میزند بر کنار است.

دین و عواطف انسانها

يك مطالعه اجمالی در مقررات دین اسلام این واقعیت را آشکار می‌سازد که هیچ عاملی بهتر از دین اسلام نمی‌تواند عواطف عالیه انسان-هارا گسترش دهد از جامعه خانواده شروع کنیم اسلام آنچنان عظمت پدر و مادر را بزرگ دانسته که در درجه اول بهشت را زیر پای مادران قرار داده و اجازه نداده است کوچکترین کلمه‌ای که حاکی از بی‌احترامی است بپدر و مادر گفته شود خداوند میفرماید «ولا تقل لهما ف».

و اما از نظر روابط زن و مرد اساس خانواده کی را آنچنان تحکیم نموده است که نظیر آن در هیچ منطقه زندگی دیده نشده است در حالی که بزرگترین آزادی را بزن داده و از نظر مقررات زن این قدرت را دارد که حتی به نوزاد خود از دادن شیر خودداری کند فقط از نظر استمتاع باید تسلیم مرد باشد ولی با همه اینها بزن گفته است که جهاد زن وابسته حسن سلوک با مرد می‌باشد. امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید «جهاد المرأة حسن التبعل»:

مقررات اجتماعی را وقتی مورد بررسی قرار می‌دهیم همه جا نشانه‌های بارزی از عواطف بچشم می‌خورد کمک و مساعدت بفقراء را با عالیترین وجهی مراعات نموده است برخی از این کمک‌ها را جزو دستورات واجب قرار داده و اداء خمس و کوة را واجب دانسته و کسانی را که عملاً از

این دستور الهی سرپیچی کنند از ژمره مسلمانان بر کفار دانسته است از این گذشته به عفو و اغماض و صلح و صفا و عدل و انصاف و رحم و شفقت دستور داده مسلمانان را بکشاده رؤی و خاضع بودن فرمان داده است و باز برای اینکه شکافی بین مسلمین وجود نداشته باشد تأکید نموده است که ثروتمندان در تأسیس مؤسسات عام المنفعه سعی بلیغ نمایند و بطور کلی اقدامات مفیدی که سود و نفع مسلمانان در آن باشد جزو باقیات الصالحات شمرده است باین وسیله بجای نفرت و کینه توڑی مهر و محبت جایگزین نموده است و مردان را از استعمال لباس حریر و بکار بردن ظروف طلا و نقره ممنوع دانسته است تا مبادا بغض و دشمنی میان طبقات مسلمانان بوجود آید و فقراء و عداوت ثروتمندان را بدل گرفته صمیمیتها بدشمنی و عداوت تبدیل گردد. در کتاب وسائل الشیعه روایتی از پیشوایان دینی وارد شده که مضمون آن اینست که پروردگار برای اینکه تمام طبقات فقراء و بیچارگان از حداقل زندگی برخوردار باشند بمقدار معینی پرداخت زکوة و خمس را واجب گردانیده است تا در صورتی که همه ثروتمندان حقوق واجبه را پرداخت نمایند در تمام مناطق اسلامی یک فقیر پیدا نخواهد شد و مشکل اختلافات طبقاتی خود بخود حل شده خواهد بود.



امتیازات دین از مکاتب سیاسی

در بحثهای گذشته مدال گردید که قوانین زندگی انسانها میبایستی بر اساس نیازهای فطری استوار گردد و غیر از این هر قانونی برای

ارشاد بشر تدوین شود پس از گذشت مدت زمانی محکوم بزوال خواهد بود در اروپا چه بسیاری از رجال مطلع بر نامه‌هایی برای بهتر زندگی کردن نوشتند ولی پس از مدت کوتاهی بر همه آشکار شد که چه معایبی بر روش و سبک آنان وارد بوده است لذا برای همیشه طرح‌های آنان در لابلای دفتر چه‌ها باقی ماند. قانون باید بر محور فطریات انسان دور بزنند نه بر اساس مشکلات زمان زیر اول همچنان باقی و پایدار است بر خلاف دومی که تحول یافته دگرگون میشود. تمام مکتب‌های سیاسی که در قرون اخیر در اروپا و سایر نقاط سر و صدا هائی بر اه انداخت همه مشکلات زمان و مکانی را در نظر گرفته بودند و بعبارت دیگر طراحان بمقتضای ذاتی و نادانسته منافع دسته‌ای را مالک کار قرار داده میخواستند مشکلات اجتماعی را از زاویه‌های خاصی حل نمایند.

سوسیالیست‌ها يك قرن برای نشان دادن عدالت و تساوی حقوق طرح‌هایی را ریختند که هر يك از مدینه فاضله افلاطون بهتر و زیباتر بود و سالیان درازی نظرات سوسیالیستی بتعداد صورتهای متنوع در اروپای غربی و مرکزی و آمریکا پیشنهاد آژمایش شد و مدتی دنیا را سرگرم کرد ولی بعداً همگی پوچ از آب درآمد و پس از مدتی نتوانست سر پا دوام بیاورد. امر وژه این متفکرین را بنام سازندگان بهشت خیالی نام میبرند پس از فرسوده شدن فرضیه سوسیالیستی مردی یهودی مسیحی شده از دین برگشته بنام کارل مارکس برای پیشرفت و تحول سعی کرد که از راه تازه بشر گمراه و گرفتار را رهبری کند. طرفداران این مکتب هم وعده‌هایی دادند ولی دنیا دید و شنید که بجای بهشت عدالت يك جهنم دیکتاتوری و انضباط شدید عمومی که مستلزم سلب کامل آزادی توأم

با زحمت و محرومیت بود برقرار گردید گرچه خودشان برای تبرئه مدعی هستند که هنوز پس از ۴۰ سال در مراحل مقدماتی بسر میبرند و تعادل تا کنون برقرار نشده است.

بسیار روشن است که این نوع مکتبها نخواهند توانست دردهای بشر را درمان کنند زیرا این گره گشائی از انحصار ایمان و مشکلات روز برکنار نیستند و برای همیشه و برای همه و مصالح کلی انسانها طراحی نشده است.

روی همین اصل پس از مدتی کوس رسوائی آنها بر ملا میگردد و امروزه در همان سرزمینها مدلل و آشکار شده است که فلاسفه ماتریالیسم که اظهار میکردند روح مذهبی زائیده مسائل اقتصادی و افزار تولید است و یافروید که میگفت روح مذهبی زائیده غرائز جنسی دوران کودکی است و باز دیگران میگفتند روح مذهبی نتیجه عجز عملی و فکری بشر در مواجهه با مشکلات و مجهولات میباشد و پیشوایان دینی همه افرادریاست طلب و خودپرست بوده اند، همه نادرست بوده اند بلکه حس دینی مانند همه عواطف اصیل انسانی دارای منشأ فطری بوده و یکی از تمایلات صحیح و فطری انسان حس تعالی و تقدس و خدا شناسی میباشد. امروزه دنیای متمدن سرخورده است تا کنون خیال میکرد که با پناهندگی به علم و مکتبهای سیاسی و نظرات اجتماعی میتواند خود را از اضطراب و تشویش برکنار دارد ولی حالاً که آثار وحشتناک این پناهندگی را در برابر چشم خود میبیند بخوبی بیدار شده اقرار بعجز علم میکند و بناچار براه خدا درمیافتد و کم کم ایمان میآورد که حس مذهبی یکی از عناصر ثابت و طبیعی روح انسانی است این حس اضمحیر انسانها آغاز میگردد

تازیانه‌های بدبختی و آواره‌گی و فقر و گرسنگی که در دو جنک اخیر
بسر و صورت اروپا نواخته شد بتدریج اورا بیدار کرده فهمانید که
با همه تحولات و پیشرفت‌ها نیازمند دستورات الهی میباید .

بلی امروزه این منطق تقویت میگردد که پس از این همه پیشرفت-
های علمی باید کاری کرد که از نتایج علمی استفاده صحیحی کرد و بشر
را از خاک و خون کشیدن نجات داد و این کار جز با پناهندگی بدین و
خدا امکان پذیر نیست.

والی الله المصیر (بازگشت همه بسوی خداوند است)

نیازمندی غرب بدین اسلام

باری امروزه ملل متمدن دنیا از خواب گران بیدار شده‌اند و
دریافته‌اند که با همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی در معنویات عقب مانده
و شکست خورده هستند این کمبود معنوی را باید تدارک کرد فساد اخلاق
و تباهی دختران و پسران در اروپا و آمریکا آنچنان گسترش یافته که
متفکران اجتماع را سخت ناراحت کرده است آمارهای تکان دهنده
که راجع به کودکان ناهشوع و بیماریهای روحی و جنون که همواره
اثر افراط در کار عیاشی و شهوت رانی عاید میگردد ، بطور سرسام آوری
در حال تزیید است .

فضاحت و بیشرمی که توسط کریستن کپلرها در انگلستان و قانونی-
بودن عمل نامشروع لواط بشرط رضایت در همان کشور و سودهای مسخره
آمیز بیتل‌ها و سایر رسوائی‌ها که در سراسر اروپا و آمریکا رواج
یافته بخوبی آشکار میسالد که معنویات اروپا دچار تزلزل خطرناکی
شده است و روابط جنسی بطور زنده و رسواکننده‌ای در حال توسعه است

سود طلبان اروپائی و آمریکائی برای بدست آوردن منافع بیشتری بدین رسوائی‌ها دامن زده هر روز و هر لحظه اخلاق و فضیلت‌های انسانی را یکی پس از دیگری نابود می‌سازند در نتیجه اساس خانواده‌ها هر روز منزلت‌تر و تعداد طلاق هر لحظه خانمانسوارتر می‌گردد و روح عصیان و سرکشی در برابر هر فضیلت انسانی در طبقه جوانان بطور جنون آمیزی رواج می‌یابد و کم کم عواطف عالیه انسانی لطمه خورده جنون جنایت و آدم کشی و دزدی‌های وحشت آور در چنین کشورهایی گسترش می‌یابد و از طرف دیگر سالیان درازی است که مسیحیت دوران بازنشستگی خود را می‌گذراند و عملاً به جز و ناتوانی خود اعتراف نموده است و خود اروپائیان میدانند که دین مسیح جز يك مسمت مسخره‌بازی چیز دیگری در چینه خود ندارد و جز خرافات و اوهام بهره‌ای عاید مردم نمی‌گردد و تازه با کدام قوانین زنده و صحیحی می‌تواند اروپا و آمریکا را اداره کند فقط دین زنده و متحرك اسلام است که می‌تواند دنیا را از گمراهی و آوارگی نجات دهد و بر همین اساس است که متفکرین کشورهای غربی باصالت دین اسلام ایمان می‌آورند و در هر منطقه که مسیحیت شکست خورده و رانده شده است اسلام با استقبال گرم همه روبرو می‌گردد.



شخصیت اصیل اسلام

اسلام از روز نخست که توسط رسول اکرم و مجاهدات و کوشش‌های بی‌گنودن عربستان ظهور کرد دین ژنده و متحرک کی بود در همه چیز تحول ایجاد می‌کرد هر فردی که مسلمان میشد یکبار دگرگون شده

اصالت و شرافت خاصی پیدا می‌کرد از تنبلی و در کودبیز از بوده عاشق فدا-
کاری و گذشت میشد از عملیات خارجی اوصاف نظر کنیم اصولاً از نظر
فکری و روحی تحول شگرفی در او بوجود می‌آمد بتدریج با عوض شدن افراد
مسلمانان اجتماعشان متطور میشد و تشکیلات اسلامی بر پایه‌های استواری
اصالت می‌یافت و همین تحولات فردی و اجتماعی بود که در مدت کوتاهی
دو امپراطوری ایران و روم را بزانو در آورده پرچم اسلام در کشورهای
جهان با هنراز در آمد ولی دیری نپائید که مسلمانان بخواب نماند غفلت
فرورفته و دیگران یعنی دشمنان اسلام از هیچ چیز فرو گذاری نکرده
روزگار مسلمانان را تیره و تار نمودند و بتدریج فساد اخلاق و تنبلی و
تردید و شک و بدبینی نسبت بدین و آئین و تساهل و مسامحه در انجام دادن
دستورات دینی در میانشان رواج یافت و بر اثر این عوامل رول بزول
اسلام قوانین عالی و مترقی خود را از دست میداد و چرخهای اصیل اسلام
یکی پس از دیگری بر کود درمی افتاد تا بتدریج کارش بجائی کشید که
جوانان تحصیل کرده مسلمان عقیده پیدا کردند که دیگر اسلام نمی‌تواند
سعادت دنیا و آخرت را تضمین نماید و کم کم از دین و خدا کناره گرفته
بفساد و تباهی وصف ناپذیری گرفتار شدند و آنچه در برابر پیشرفت
های علمی و صنعتی اروپا خود را باختند که نمی‌توان واقعبین آنرا توصیف
کرد از همه تشکیلات عریض و طویل اسلام فقط نماز و روزه‌ای باقی ماند که
آن دو هم روح و اثر خود را از دست داده بودند لذا دو راه انحطاط مسلمین
از رول از آغاز شد که مسلمانان آلوده فساد اخلاق و غرب زدگی شده
واقعیات دین و قوانین از رانده اسلامی را یکی پس از دیگری کنار گذاشتند
و مانند اروپائی‌ها گفتند که دین با دانش سازگار نیست و حال آنکه این

نغمه از خلقوم استعمار شنیده میشود و جوانان مسلمان بواقعیت این نوع سم پاشی هابی نبرده با آغوش باز آنرا استقبال میکردند و حال آنکه تاریخ اندلس درس عبرتی برای بیداری مسلمانان جهان بود ولی هنوز زمامداران و پاسداران اسلام بیدار نشده عواقب خطرناک این نوع خراب کاریها را نادیده می گرفتند .

امروزه بجای ابتکار و انقلاب فکری و روحی که بر نامه قوانین اسلامی بود سستی و تن پروری جایگزین آن شده است روزی تمدن اسلامی مورد اقتباس دیگران قرار می گرفت امروزه مسلمانان آنچنان دچار غربزدگی شده اند که حتی از گذاشتن نام های شرقی مانند محمد و علی عار و ننگ داشته اسم های غربی برای فرزندان شان انتخاب می کنند و این نشانه کمال انحطاط و رسوائی کشورهای مسلمان است .

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم .

و بنابر فرمایش پروردگار بر رفتار و کردار اوست خود بدبختی و خواری را برای خود فراهم آوردند .



وظیفه دشوار پاسداران دین

بدون تردید در قرن بیستم تحولات شگرفی دو تمام شوئن ژندگی بوجود آمده پیشرفت های علمی و صنعتی تغییراتی را در نحوه مناسبات و روابط ژندگی ایجاد نمود این سریع آنچنان سریع و شگفت آور بود که جای مقایسه و سنجش از میان رفته بود و امکان نداشت که بتوان ژندگی عصر تسخیر فضا را با گذشته مقایسه کرد و اروپا با فدا کردن جان هزاران عالم و دانشمند مانند گالیله ها و نیوتن ها و دیگران مذهب را کنار زده راه خود را بسوی

تمدن و تحول بازمیکرد و کم کم ارتباط غرب و شرق توسعه یافته تنقرو
 انزجار دینی از غرب بشرق سرازیر میشدو کم کم جای خودها در طبقه
 تحصیل کرده باز میکرد و جوانان مسلمان در کشورهای اسلامی از
 شئون دینی کناره گیری میکردند چه آنها انتظار داشتند بموازات
 پیشرفتهای تمدن دین اسلام هم از کود و جمودی که بهرورژمان در اثر
 جهل و نادانی دامنگیرش شده بود هائی یافته تجدید حیاتی در آن بعمل
 آید ولی متأسفانه پاسداران دیانت که عهده دار مشکلاتین و خطیرترین
 وظایف اجتماعی بودند آنچنان که باید در برابر این نغمه های شوم
 قیام کنند و هر چه زودتر با برخورداری از تجهیزات روز چهره اسلام
 را تا بناکتر بمردم جهان نمایان سازند دچار تردید و تزلزل شده اقدامات
 اساسی بعمل نیامد.

در نتیجه روز بروز شکاف مردم از دین زیادتر میشد تا جائیکه
 دینداران واقعی در اقلیت قرار گرفتند ولی با همه این عقب ماندگی ها
 حس دینی در ژوایای قلب طبقه جوانان جای دارد و بخوبی وآسانی میتوان
 حس مذهبی را در آنان ژنده کرد و بسیار روشن است که باید تحولات
 دامنه داری در شئون تبلیغی دین بوجود آید تا مسائل دینی متناسب با وضع
 روز و افکار عصری در اختیار تان گذاشته شود و بطور مسلم باید از تمام
 امکانات موجوده در این راه استفاده کرد امروزه عرضه کنندگان متاع
 کفر سعی میکنند که با برخورداری از تجهیزات عصری برنامه های
 خود را هر روز بهتر و کاملتر در اختیار مشتریان خود قرار دهند و برای
 رسیدن به هدفهای خود از هر فرصتی بهره برداری مینمایند .

زندگی در عصر حاضر با گذشته فرق دارد پیروزیها وابسته تجهیزات عصری است پاسداران دین باید سعی کنند در عین اینکه از کاملترین تشکیلات برخوردار باشند از بهترین وسائل تبلیغاتی روز استفاده کنند تا بتوانند بموازات عوامل گمراهی و بیدینی دین را گسترش دهند.

مآخذ و مدارک

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------|
| ❁ وسائل الشیعه | ❁ شیخ حر عاملی اعلی الامامه |
| ❁ اصول کافی | ❁ کلینی علیه الرحمه |
| ❁ مکتبهای سیاسی | ❁ بهاء الدین بازار گاد |
| ❁ اسلام و مالکیت | ❁ سید محمود طالقانی |
| ❁ ارزیابی حقوق اسلام | ❁ حسین نجومیان |
| ❁ انسان و خدا | ❁ مهندس مهدی بازرگان |
| ❁ اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر | ❁ علی غفوری |
| ❁ خداپرستی و افکار روز | ❁ مهندس مهدی بازرگان |
| ❁ تبعیضات نژادی | ❁ علی حجتی کرمانی |